

# بررسی تأثیر رانت نفت بر اشتغال بخش کشاورزی در اقتصاد ایران

مجید مداح (نویسنده مسئول)

استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان

[majid.maddah@semnan.ac.ir](mailto:majid.maddah@semnan.ac.ir)

## سلمان خسروی

کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه سمنان

[khosravisalman80@gmail.com](mailto:khosravisalman80@gmail.com)

نوع مقاله: علمی- پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

## چکیده

اثر فراوانی منابع طبیعی بر عملکرد اقتصادی کشورهای ثروتمند در منابع نشان دهنده نحوه مدیریت منابع طبیعی در این کشورهاست. در این ارتباط نتایج برخی مطالعات، پدیده نفرین منابع در کشورهای غنی را بر مبنای پدیده بیماری هلندی و اقتصاد سیاسی فرضیه نفرین منابع توجیه می‌کند. این مقاله نقش رانت نفت بر اشتغال کشاورزی در ایران را با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می‌دهد رانت نفت بر اشتغال بخش کشاورزی در ایران اثر منفی و معنادار داشته و افزایش رانت منابع طبیعی به ضرر اشتغال بخش کشاورزی عمل کرده و موهبتی برای این بخش نداشته است و بدین ترتیب پدیده بیماری هلندی در این بخش اتفاق افتاده و فرضیه اقتصاد سیاسی نفرین منابع مورد حمایت قرار می‌گیرد.

طبقه‌بندی *JEL*: O13, P48, C40

**کلیدواژه‌ها:** رانت نفت، اشتغال بخش کشاورزی، مدل خود رگرسیون با وقفه توزیعی، اقتصاد ایران.

## ۱. مقدمه

طبق تئوری های کلاسیک، ثروت طبیعی یکی از عوامل اساسی رشد اقتصادی است. با این وجود، نتایج تحقیقات وسیعی نشان می‌دهند عملکرد اقتصادی کشورهای ثروتمند در منابع نسبت به کشورهای فاقد منابع ضیف‌تر بوده است. چنین وضعیتی، پارادوکس نفرین منابع<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. اولین شواهد از نفرین منابع به‌وسیله ساکس و وارنر<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) ارائه شد. آن‌ها نشان دادند فراوانی منابع که بوسیله سهم کالاهای فرآوری نشده در صادرات اندازه‌گیری می‌شود دارای رابطه منفی با رشد درآمد سرانه در کشورهای ثروتمند است (پاپیراکیس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). برای توجیه این رابطه استدلال‌های مختلفی ارائه شده است؛ از جمله مدل بیماری هلندی<sup>۴</sup> که در آن ادعا می‌شود رونق درآمدهای حاصل از منابع استخراجی مثل نفت و گاز، صادرات بخش‌های قابل مبادله مثل صنعت و کشاورزی را کاهش داده و کشور متکی بر منابع را با زیان در رقابت بین‌المللی مواجه می‌کند و نهایتاً اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد (کوردن و نیروی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۲؛ ون در پلوگ و پولهکه<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). علاوه بر آن چنین بحث می‌شود که تزریق درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی به اقتصاد، تقاضای کل شامل تقاضا برای کالای قابل مبادله و غیر قابل مبادله را افزایش می‌دهد. مازاد تقاضای کالای قابل مبادله از طریق واردات جبران می‌شود، در حالی که مازاد تقاضای کالای غیرقابل مبادله، به افزایش قیمت این کالا (همانند زمین و مسکن)، می‌انجامد و در نهایت، موجب تضعیف غیر مستقیم بخش‌های تولیدی و صنعتی خواهد شد. در این رابطه، نتایج مطالعات تجربی نشان می‌دهند بیماری هلندی در کشورهای در حال توسعه متکی به صادرات نفت، به بخش کشاورزی زیان وارد می‌کند و صادرات و تولیدات این بخش را کاهش می‌دهد؛ این در حالی است که برخی فعالیت‌ها در بخش صنعت سودآور هستند (بنجامین<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۸۹).

1. Resource Curce

2. Sachs and Warner

3. Papyrakis

4. Dutch Disease

5. Corden and Neary

6. Van der Ploeg and Poelhekke

7. Benjamin

همچنین نتایج مطالعه کردن ونیری<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) نیز نشان می‌دهد افزایش نرخ ارز و کاهش بهره‌وری کالاهای قابل مبادله در بخش‌های صنعت و کشاورزی از نشانه‌های کلیدی بیماری هلندی هستند که در نهایت به اقتصاد کشورهای صاحب منابع آسیب می‌رسانند و پدیده نفرین منابع را به وجود می‌آورند.

در چارچوب فرضیه سیاسی نفرین منابع<sup>۲</sup> نیز اثر منفی وفور منابع بر عملکرد اقتصادی کشورهای ثروتمند توضیح داده می‌شود با این استدلال که درآمدهای حاصل از منابع طبیعی از طریق مکانیزم‌های رانت جویی<sup>۳</sup> ظرفیت دولت برای تخصیص کارای منابع را تحت تأثیر قرار می‌دهد به نحوی که به دنبال وفور منابع، رقابت بین گروه‌های ذینفع در تصاحب منابع بادآورده بیشتر می‌شود که در نتیجه آن فعالیت‌های غیر مولد جای فعالیت‌های مولد را گرفته و بخش حقیقی اقتصاد زیان می‌بیند. در این راستا تئوری‌های اقتصاد سیاسی تأکید می‌کنند بهره برداری از منابع طبیعی فی نفسه با تمایل به رانت جویی بیشتر همراهی دارد؛ به این صورت که در کشورهای دارای ثروت باد آورده منابع طبیعی، نخبگان یا گروه‌های ذینفع معمولاً سهم بالایی از این درآمدها را می‌برند و آن را به جای توسعه امکانات زیر بنایی و توسعه اقتصادی پایدار در جهت منافع کوتاه مدت شان مصرف می‌کنند که بدین ترتیب به رشد اقتصادی واقعی صدمه وارد می‌شود (گیلفاسن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). نتایج تحلیل نظری بالاند و فرانسوا<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) نشان می‌دهد رونق منابع<sup>۶</sup>، بازدهی رانت جویی را نسبت به فعالیت‌های کارآفرین بیشتر می‌کند و در نهایت موجب گسترش فعالیت‌های رانت جویی می‌شود با این استدلال که هر دو گروه رانت جویان و کارآفرینان از افزایش موهبت منابع و در نتیجه بزرگ‌تر شدن بعد اقتصاد، منتفع می‌شوند اما کارآفرینان نسبت به رانت جویان نفع کمتری می‌برند؛ به دلیل این که هزینه نهایی برای آن‌ها مثبت است. بدین ترتیب به دنبال رونق منابع، رانت جویان نسبت به کارآفرینان لزوماً افزایش می‌یابد که در نهایت زوال کارآفرینی اتفاق می‌افتد.

<sup>۱</sup>. Corden and Neary

<sup>۲</sup>. Hypothesis of Political Resource Curse

<sup>۳</sup>. Rent Seeking

<sup>۴</sup>. Gylfason

<sup>۵</sup>. Baland and Francois

<sup>۶</sup>. Resource Boom

ایران یکی از کشورهای عمده در ذخایر منابع طبیعی است به نحوی که ۱۳ درصد از ذخایر نفت خام ثابت شده اوپک به ایران اختصاص دارد (بولتن ماری سالانه اوپک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). همچنین در ۲۰۱۷، ۶۷ درصد از کل صادرات ایران به صادرات نفت و گاز اختصاص داشته است (بانک مرکزی ایران، ۱۴۰۰) که بیانگر وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی است. از سوی دیگر طبق آمارهای رسمی از وضعیت کشاورزی در ایران، مناطق روستایی در ایران ۲۸/۶ درصد جمعیت، ۲۶/۶ درصد تولید ناخالص داخلی، ۲۹ درصد اشتغال و ۹۳/۵ درصد نیازهای غذایی را به خود اختصاص می‌دهند، این در حالی است که طی آخرین دهه گذشته نرخ بیکاری در روستاهای ایران افزایش یافته و از نسبت ۷/۱ درصد در ۲۰۰۵ به ۷/۹ در ۲۰۱۵ رسیده است (فیصلی و نیکنامی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). این تغییرات در حالی اتفاق افتاده است که رشد فعالیت‌های کشاورزی نقش مهمی در کاهش فقر و بیکاری دارد و بر توسعه سایر بخش‌های اقتصادی اثر دارد. با رشد کشاورزی امکانات معیشتی لازم برای روستاییان و شاغلان در این بخش تأمین می‌شود و با توجه به خدمات زیست محیطی ارائه شده در این بخش، توسعه آن در تحقق اهداف توسعه پایدار نقش حیاتی دارد. عواملی مثل در اهمیت امنیت غذایی مردم، لزوم پرورش اکوسیستم‌های سالم و حمایت از پایداری زمین، آب و منابع طبیعی و اهمیت تأمین نیازهای غذایی نسل فعلی و آینده توسعه پایدار بخش کشاورزی را بیش از پیش مورد توجه سیاست‌گذاران قرار داده است (سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). که بر این اساس در بسیاری از کشورها رشد کشاورزی منبع مهم توسعه اقتصادی است و ده‌ها میلیون نفر از جمعیت در نواحی روستایی و مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی زندگی می‌کنند. با توجه به آن‌که تداوم اشتغال افراد در کشاورزی تضمین کننده درآمد و کاهش فقر خانوارهاست و در تأمین نیازهای اساسی آنان نقش مهمی دارد (شاگری، ۱۳۸۳)؛ بدیهی است که کاهش نرخ اشتغال در بخش کشاورزی موجب پایین آمدن درآمد کشاورزان در مناطق روستایی و افزایش نرخ بیکاری در این مناطق خواهد شد. امروزه، بیکاری تنها یک مسأله اقتصادی نیست بلکه همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد که بدین ترتیب دولت‌ها استفاده بهینه از منابع در جهت اشتغال زایی و تداوم فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهند. در این ارتباط میزان

<sup>1</sup>. OPEC Annual Statistics Bulletin

<sup>2</sup>. Feisali and Niknami

<sup>3</sup>. Food and Agriculture Organization of United Nations

بهره مندی از منابع طبیعی در یک کشور می‌تواند بر اشتغال‌زایی اثر مثبت داشته و به‌طور بالقوه امکانات بیشتری را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم کند. با این حال شواهد تجربی نشان می‌دهند ثروت منابع طبیعی نه شرط لازم و نه کافی برای پیشرفت اقتصادی است. به‌عنوان مثال ثروت کشورهای مثل سنگاپور، ژاپن، هنگ کنگ و سوییس وابسته به منابع طبیعی نیست و در مقابل منابع طبیعی آمریکا و انگلیس نقش اندکی در ثروت ملی این کشورها داشته است. علاوه بر این در میان کشورهای در حال توسعه، نمونه‌هایی هستند که از نظر منابع طبیعی به شدت غنی هستند اما نتوانسته‌اند به رشد اقتصادی پایدار دسترسی پیدا کنند (گیلفاسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). چنین پدیده‌ای در مطالعات نظری و تجربی، نفرین منابع نامیده می‌شود.

حال در این ارتباط، با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از نفت از یک سو و اهمیت تولید و اشتغال در بخش کشاورزی در تأمین نیازهای غذایی مردم، این فرضیه مطرح می‌شود که تأثیر پذیری بخش کشاورزی (اشتغال در کشاورزی) در ایران از درآمدهای حاصل از نفت چگونه بوده و آیا منابع نفت و گاز به افزایش اشتغال در بخش کشاورزی منجر شده است؟ این مقاله با استفاده از داده‌های سری زمانی به دنبال آزمون این فرضیه و تحلیل تجربی اثر رانت نفت بر اشتغال کشاورزی در ایران است.

بخش‌های بعدی مقاله بدین ترتیب سازماندهی شده است. بخش دوم به مرور ادبیات تحقیق اختصاص دارد که در آن پیشینه پژوهش و مبانی نظری از اثر رانت نفت بر عملکرد اقتصادی کشورهای ثروتمند در منابع طبیعی ارائه می‌شود. در بخش سوم مدل اقتصادسنجی تحقیق معرفی می‌شود تا از طریق آن اثر رانت نفت بر اشتغال بخش کشاورزی مورد آزمون قرار گیرد. در بخش چهارم نتایج حاصل از تخمین مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی را طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۴۰۰ ارائه خواهد شد. بخش پنجم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

## ۲. مروری بر پیشینه تحقیق

### ۲-۱. ادبیات نظری

سابقه مطالعات نظری در زمینه نفرین منابع به اوتی<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) بازمی‌گردد. وی برای اولین بار از واژه نفرین منابع یا بلای منابع برای پاسخ به این پرسش که چرا کشورهای

<sup>۱</sup>. Gylfason

<sup>۲</sup>. Auty

دارای منابع طبیعی از رشد اقتصادی پایین‌تری نسبت به سایر کشورها برخوردارند، استفاده کرد. طبق مطالعات انجام شده، نفرین منابع از طریق دو کانال بیماری هلندی و فرضیه اقتصاد سیاسی نفرین منابع توجیه می‌شود. بیماری هلندی بر علل اقتصادی پدیده نفرین منابع اشاره دارد با این تحلیل که با افزایش درآمدهای نفتی در کشورهای وابسته به منابع طبیعی، نقدینگی زیادی به جامعه تزریق می‌شود که در نتیجه آن هزینه‌های غیرضروری و بیهوده افزایش می‌یابند، تمایل به واردات بالا می‌رود که همراه با افزایش نرخ ارز و برهم خوردن تعادل در تراز پرداخت‌هاست، همچنین بازدهی بالا در بخش منابع طبیعی تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد صنعت و کشاورزی را کاهش می‌دهد که در نتیجه این عوامل به بخش حقیقی اقتصاد صدمه وارد می‌شود (اتاها<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). در این راستا ساکس و وارنر (۱۹۹۷) در چارچوب یک مدل رشد نشان می‌دهند کشف منابع، از یک طرف سطح درآمدها را افزایش می‌دهد که این درآمد به جای بخش‌های تولیدی صرف بخش خدمات غیرقابل مبادله می‌شود. از طرف دیگر با تضعیف تولید و کاهش تراکم سرمایه انسانی، تقاضا برای کالاهای تولیدی از طریق واردات جبران می‌شود که در نتیجه آن وضع تراز پرداخت‌ها بدتر خواهد شد. در مجموع بیماری هلندی بر این فرض استوار است که با رونق بخش منابع طبیعی<sup>۲</sup> نهادهای کار و سرمایه بر توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی متمرکز می‌شوند و توسعه سایر بخش‌های مهم قابل تجارت مانند صنعت و کشاورزی مورد غفلت واقع می‌شود (ملامبو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). در فرضیه بیماری هلندی، نفرین منابع از کانال عوامل اقتصادی مورد تحلیل قرار گرفته و به جنبه‌های سیاسی آن توجه نمی‌شود. این موضوع در مطالعات بعدی مورد توجه محققان قرار گرفت با این بحث که رونق درآمد منابع، رقابت گروه‌های ذینفع جهت تصاحب درآمدهای بادآورده را افزایش می‌دهد و عموماً با گسترش فساد و رانت جویی همراه است که در نتیجه آن بخش‌های مولد آسیب می‌بینند (بالاند و فرانسیس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). در این ارتباط گیلفاسن (۲۰۰۱) به سیرالئون که یک کشور ثروتمند در الماس است و در عین حال فقیرترین کشور در سال ۱۹۹۸ بوده، اشاره می‌کند و این وضعیت را به درگیری‌های داخلی و گسترش رانت‌جویی به دنبال عرضه الماس ربط می‌دهد که موجب تخریب زیرساخت‌ها و نهادهای اجتماعی اثرگذار بر رشد

---

1. Otaha

2. Booming Natural Resource

3. Mlambo

4. Baland and Francois

در این کشورها شده است. چنین رابطه‌ای را از طریق تئوری اقتصاد نهادی<sup>۱</sup> می‌توان توضیح داد به این صورت که دولت‌های ضعیف و فاسد در کشورهای ثروتمند در منابع کمتر به خواسته‌های شهروندان پاسخ می‌دهند و علاقه‌ای به پیشبرد سیاست‌ها و نهادهایی که تولیدکننده ثروت هستند، ندارند که چنین رویکردی موجب پدیده نفرین منابع در کشورهای صاحب منابع طبیعی شده است (دمیسی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴؛ کورچیچ و سبا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). در مطالعه دیگری دی جان<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) در چارچوب تئوری دولت رانتیر<sup>۵</sup> اظهار می‌دارد در کشورهای وابسته به منابع نسبت به کشورهای فاقد منابع سطح بالاتری از فساد و رانت‌جویی قابل مشاهده است که میزان رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اثر رانتیر بیان می‌کند کشورهایی که به درآمدهای منابع طبیعی و سودهای بادآورده دسترسی دارند، کمتر به درآمدهای مالیاتی وابستگی دارند که این ویژگی موجب می‌شود تا دولت در این کشورها پاسخگویی کمتری در مقابل به خواسته‌های شهروندان داشته باشد که در نتیجه آن فساد و سوء مدیریت افزایش گسترش می‌یابد (دزیرتو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸).

## ۲-۲. ادبیات تجربی

در مطالعات تجربی اثر وفور منابع بر وضعیت بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته است از جمله آپرگیس<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۴) با استفاده از داده‌های کشورهای نفت خیز خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) نشان می‌دهد رانت نفت (رونق نفت) در این کشورها با جابجایی منابع از بخش کشاورزی به بخش منابع موجب کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی شده است که بیماری هلندی در این کشورها را تأیید می‌کند. در این ارتباط، فتاح<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) رابطه بین رانت منابع طبیعی و بیکاری در کشورهای نفتی طی سال‌های (۲۰۱۶ - ۱۹۹۱) را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد در بلندمدت رانت منابع طبیعی بر بیکاری در بخش‌های مختلف اقتصادی اثر مثبت و معنی‌داری داشته است. گیلیز<sup>۹</sup> (۲۰۲۰) با ارایه شواهدی از پرونده‌های فساد در ۱۷ کشور آفریقایی طی دوران رونق

<sup>۱</sup>. Institutional Economics

<sup>۲</sup>. Demissie

<sup>۳</sup>. Kurečić and Seba

<sup>۴</sup>. Di John

<sup>۵</sup>. Rentier State

<sup>۶</sup>. Desierto

<sup>۷</sup>. Apergis

<sup>۸</sup>. Fattah

<sup>۹</sup>. Gillies

نفت نیز نشان می‌دهد افزایش تاریخی قیمت نفت در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ موجب افزایش انگیزه های فساد در این دوره شد و فرصتی را برای دولت های رانتی یا متحدان آن ها در آفریقا فراهم کرد تا معاملات پرسودی در بخش نفت انجام دهند و از این طریق موقعیت های سیاسی خود را تقویت کنند. عبدالعزیز<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) نیز اثر درآمد نفت بر ارزش افزوده کشاورزی در کشورهای بزرگ و کوچک صادر کننده نفت در کوتاه مدت و بلندمدت طی سال های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۴ را منفی ارزیابی می کنند که این اثر برای کشورهای بزرگ شدیدتر است؛ این یافته تحت عنوان نفرین نفت<sup>۲</sup> در کشورهای صادرکننده نفتی تفسیر می شود. در یکی دیگر از مطالعات اخیر، لوسنس<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) با آزمون فرضیه بیماری هلندی در بخش کشاورزی نروژ نشان می دهد افزایش قیمت نفت، سودآوری بخش کشاورزی را کاهش داده و امنیت غذایی در این کشور را مورد تهدید قرار داده است. علاوه بر آن، رونق نفت تعداد ساعات کار در بخش های کشاورزی و صنعت نفت را تحت تأثیر قرار داده است به نحوی که با افزایش درآمدهای نفتی ساعات کار در بخش کشاورزی کاهش و در صنعت نفت افزایش یافته است که این وضعیت وجود بیماری هلندی در بخش کشاورزی نروژ را تأیید می کند. در مقابل این نتایج، بادپ<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۱) با در نظر گرفتن اثرات نامتقارن رانت نفت بر رشد بخش های مختلف نشان می دهند بخش های کشاورزی و حمل و نقل از شوک های مثبت رانت نفت و دیگر بخش های تولیدی و عمده فروشی از شوک های منفی رانت نفت در مالزی طی سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ منتفع شده اند. بر این اساس در دوران رکود، دولت از طریق مداخله در بازار و حمایت از بخش کشاورزی می تواند موجب رشد پایدار و توسعه سرمایه گذاری های بخش خصوصی در فعالیتهای کشاورزی شود. در این راستا اکویه<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۲) نتیجه می گیرند رانت نفت و سوخت های فسیلی محرک اصلی فعالیتهای اقتصادی در نیجریه طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ بوده که بدین ترتیب پدیده نفرین منابع رد می شود. همچنین ملامبو<sup>۶</sup> (۲۰۲۲) با استفاده از داده های کشورهای آفریقایی نشان می دهد این کشورها دارای ذخائر طبیعی دست نخورده فراوانی هستند که در صورت استفاده، توسعه پایدار آنها بهبود می یابد. بر اساس نتایج

1. Abdlaziz

2. Oil Curse

3. Lauvsnes

4. Badeeb

5. Okoye

6. Mlambo



این مطالعه رابطه مثبت بین سیاست و کارکرد فرضیه نفرین منابع در کشورهای آفریقایی تأیید می‌شود؛ به نحوی که بهبود عملکرد دولت و حذف فساد موجب می‌شود تا رانت منابع دارای اثر مثبت بر سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی باشد. علی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۳) با بررسی رابطه بین سهم رانت نفت در تولید ناخالص داخلی، تنوع صادرات و رشد اقتصادی در سوران طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸ نتیجه می‌گیرد رابطه آماری معنی داری بین وابستگی به نفت، تنوع صادرات و رشد اقتصادی در این کشور مشاهده نمی‌شود که بر این اساس شواهدی برای فرضیه نفرین منابع نمی‌توان ارائه کرد. در نتیجه‌ای متفاوت اکوری<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۳) اثر درآمدهای نفتی بر شاخص‌های اقتصادی نیجریه را منفی ارزیابی می‌کنند و اظهار می‌دارند با آن که ۹۵ درصد صادرات نیجریه را نفت تشکیل می‌دهد اما این کشور همچنان با چالش‌های بزرگ توسعه مواجه است به طوری که درآمدهای هنگفت نفتی به عقب‌ماندگی رشد بخش‌های کشاورزی، خدمات و صنعت و همچنین خشونت و جنگ، بیکاری و تخریب محیط زیست منجر شده است.

در حوزه مطالعات داخلی گرچه به طور مشخص اثر رانت نفت بر اشتغال بخش کشاورزی در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است اما در مطالعات مرتبط با موضوع بیماری هلندی در ایران، پاسبان (۱۳۸۳) با تأیید اثر منفی بیماری هلندی بر رشد بخش کشاورزی نشان داد رونق درآمدهای نفتی موجب کاهش تولید در بخش‌های سنتی و کشاورزی ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۹ شده است. در مطالعه دیگری، پیری و همکاران (۱۳۹۰) با اشاره به اهمیت بخش کشاورزی در توسعه روستایی و افزایش رفاه خانوارهای روستایی نشان داد نفت نقش مهمی در رشد بخش کشاورزی ایران دارد بی‌ثباتی صادرات نفت بر ارزش افزوده کشاورزی در دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶ اثر منفی و معنی‌دار داشته است. در همین راستا یزدانی و شرافتمند (۱۳۹۰) وقوع پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران را تأیید کرده و نشان دادند ضربه‌های مثبت درآمد نفت اثر منفی بر سهم بخش کشاورزی در ایران داشته است. همچنین شاکری و همکاران (۱۳۹۲) با تأیید رخداد بیماری هلندی در اقتصاد ایران، اثر افزایش درآمدهای نفت بر رشد بخش‌های قابل مبادله (صنعت و کشاورزی) و غیر قابل مبادله (خدمات و ساختمان) را ارزیابی کردند و نتیجه گرفتند افزایش درآمدهای نفتی به خصوص در

---

<sup>۱</sup>. Sabna

<sup>۲</sup>. Okorie

دهه‌های ۵۰ و ۸۰ رشد اقتصادی را کاهش داده و بیماری هلندی اتفاق افتاده است. در مطالعه دیگری شیروانی سعادت آبادی (۱۳۹۵) با بررسی نقش بیماری هلندی بر تحولات بازار کار در بخش کشاورزی نتیجه گرفت بیماری هلندی بر تقاضای نیروی کار اثر نداشته و در مقابل عرضه کار در بخش کشاورزی را افزایش داده است. نتایج مطالعه قدیر زاده و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد تکانه‌های نفتی بر متغیرهای اقتصاد کلان در ایران از جمله اشتغال مؤثر بوده است. بر اساس نتایج این تحقیق، واکنش اشتغال در بخش‌های دولتی و خصوصی نسبت به تکانه درآمدهای نفتی به ترتیب مثبت و منفی است. افزایش نقش دولت در اقتصاد ایران موجب شده تا افزایش درآمدهای نفتی باعث افزایش موجودی سرمایه دولتی شود که این امر در نهایت اشتغال دولتی را افزایش و اشتغال خصوصی را کاهش داده است.

### ۳. روش تحقیق و داده‌ها

به منظور بررسی تجربی اثر رانت نفت بر اشتغال کشاورزی از یک مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده می‌شود. یکی از کاربردهای این مدل، امکان بررسی نحوه اثرگذاری متغیرهای توضیحی با تأخیر بر متغیر وابسته است. متغیر با تأخیر به این دلیل اهمیت پیدا می‌کند که اثر همه متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته به طور آنی اتفاق نمی‌افتد بلکه بخشی از آن ممکن است در همان لحظه قابل مشاهده و بخش دیگر نیازمند گذشت زمان باشد. بر این اساس امکان ارزیابی رابطه بلندمدت بین متغیرها با استفاده از مدل ARDL فراهم می‌شود. یکی از مزایای این مدل امکان تفکیک بین اثرات کوتاه مدت و بلندمدت و چگونگی تعدیل روابط کوتاه مدت به بلند مدت است که از نتایج تخمین قابل استخراج است. با توجه به اهمیت مانایی در تخمین روابط بلند مدت بین متغیرهای اقتصادی، از این مدل در حالتی که همه متغیرها از یک درجه تجمعی<sup>۱</sup> یکسان نیستند (برخی متغیرها در سطح و برخی در تفاضل اول مانا هستند)، استفاده می‌شود.

شکل عمومی مدل  $ARDL(p,q)$  به صورت زیر است (سوری، ۱۳۹۲):

$$Y_t = \mu + \sum_{j=1}^p \gamma_j Y_{t-j} + \sum_{j=0}^q \beta_j X_{t-j} + U_t$$

<sup>۱</sup>. Integrated

در این معادله  $U_i$  جمله خطاست که تمام فروض کلاسیک را تأمین می‌کند. همچنین  $p$  و  $q$  به ترتیب حداکثر وقفه‌های  $Y$  و  $X$  هستند. یکی از مزیت‌های دیگر مدل این است که با استفاده از نتایج تخمین و بنا به هدف پژوهش، اثرات آنی  $(\partial Y_t / \partial X_t)$ ، تأخیری  $(\partial Y_t / \partial Y_{t-1})$  و بلندمدت قابل استخراج و تحلیل است. اثر بلندمدت مربوط به وضعیتی می‌شود که در آن متغیرها به یک وضعیت ایستا و بدون تغییر می‌رسند. از این جهت، ضریب جمله تصحیح خطا در مدل کوتاه مدت اهمیت می‌یابد به نحوی که مقدار کوچک‌تر از یک و منفی آن نشان می‌دهد که چه مقدار از عدم تعادل در متغیر وابسته در کوتاه‌مدت تعدیل و به سمت بلندمدت حرکت می‌کند.

طبق ادبیات تحقیق و روش پژوهش، شکل کلی مدل اقتصادی اثر رانت نفت بر اشتغال بخش کشاورزی به صورت زیر است که پس از تعیین تعداد وقفه‌های بهینه در چارچوب مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی برآورد می‌شود:

$$UNEM_t = (RENT_t, GDPm_t, FA_t) \quad (1)$$

که در آن  $UNEM$ : نسبت شاغلان بخش کشاورزی به کل شاغلین (به درصد)  $RENT$ : نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی (درصد)  $GDPm$ : تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۲۰۱۵ (میلیارد دلار)،  $FA$ : نسبت مانده تسهیلات بانک‌ها و موسسات اعتباری در بخش کشاورزی به مجموع تسهیلات (درصد)<sup>۱</sup> هستند در رابطه  $(1)$   $GDPm$  و  $FA$  به عنوان متغیرهای کنترلی مدل در نظر گرفته شده‌اند.

متغیرهای سهم شاغلان کشاورزی از کل شاغلین و رانت نفت در چارچوب مطالعات انجام شده تحت عنوان فرضیه نفرین منابع توسط اوتی (۱۹۹۳)، ساکس و وارنر (۱۹۹۵)، گیلفاسن (۲۰۰۱)، لوسنس (۲۰۲۱) انتخاب شده‌اند تا بر اساس آن فرضیه اصلی تحقیق یعنی اثر رانت نفت بر اشتغال در بخش کشاورزی مورد آزمون قرار گیرد؛ فرضیه نفرین منابع شواهدی از اثر منفی درآمد حاصل از منابع طبیعی بر عملکرد اقتصادی کشورهای ثروتمند در نفت و گاز را ارائه می‌دهد. همچنین در مطالعات

<sup>۱</sup> از متغیرهای کنترلی دیگر مثل کل تسهیلات بانک‌ها و موسسات اعتباری در بخش کشاورزی، ارزش افزوده کشاورزی و بازبودن تجارت نیز در مرحله تخمین مدل استفاده شد که به دلیل بدتر شدن معیارهای برازش از گزارش نهایی حذف شدند.

جداگانه‌ای بال دوماناسکا<sup>۱</sup> (۲۰۲۲)، اسراور و ساکی<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) و جوزف و کریشنان<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) نشان می‌دهند تولید ملی و اعتبارات بخش کشاورزی بر اشتغال در این بخش مؤثر است که از این جهت دو متغیر تولید ناخالص داخلی و تسهیلات کشاورزی می‌توانند تغییرات اشتغال در بخش کشاورزی در ایران را توضیح دهند. داده‌های تحقیق از منابع رسمی بانک جهانی، مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمع‌آوری شده‌اند که در جدول (۱) آمارهای توصیفی متغیرها ارائه شده است.

جدول (۱): آمارهای توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	تعداد
نسبت شاغلان کشاورزی به کل شاغلین	۲۶/۹۶	۴۷/۵۰	۱۶/۲۵	۹/۰۷	۵۶
رانت نفت	۲۳/۲۹	۴۷/۸۱	۵/۶۲	۸/۵۶	۵۶
تولید ناخالص داخلی	۲۶۴/۲۹	۴۶۹/۹۴	۹۰/۶۶	۱۰۸/۱۴	۵۶
نسبت تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی به کل تسهیلات	۱۳/۲۳	۲۰/۹۲	۶/۲۵	۳/۸۸	۵۶

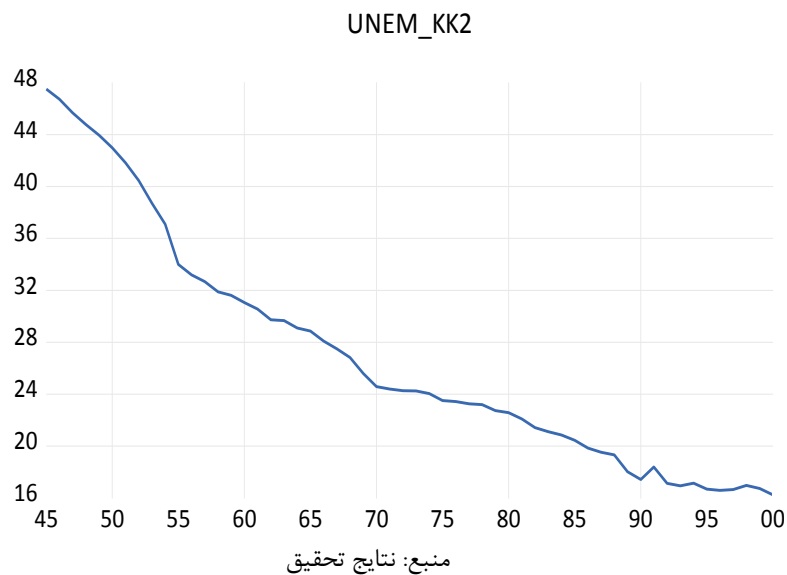
همچنین نمودارهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) روند متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در دوره تحت بررسی روند رانت نفت نوسانی است و دارای بیشترین و کمترین مقدار به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۶۵ است. روند نسبت شاغلان کشاورزی به کل شاغلین در دوره مورد بررسی نزولی است که با توجه به اهمیت اشتغال کشاورزی در تولید، امنیت غذایی و درآمد کشاورزان این پرسش مطرح می‌شود که نقش عوامل مختلف در توضیح این روند چگونه بوده است. همچنین ارزش تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۴۰۰ افزایش یافته و نسبت تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی به کل تسهیلات پس از یک روند افزایشی از سال ۱۳۷۸ به بعد از روند کاهشی برخوردار بوده است.

<sup>1</sup>. Bal-Domańska

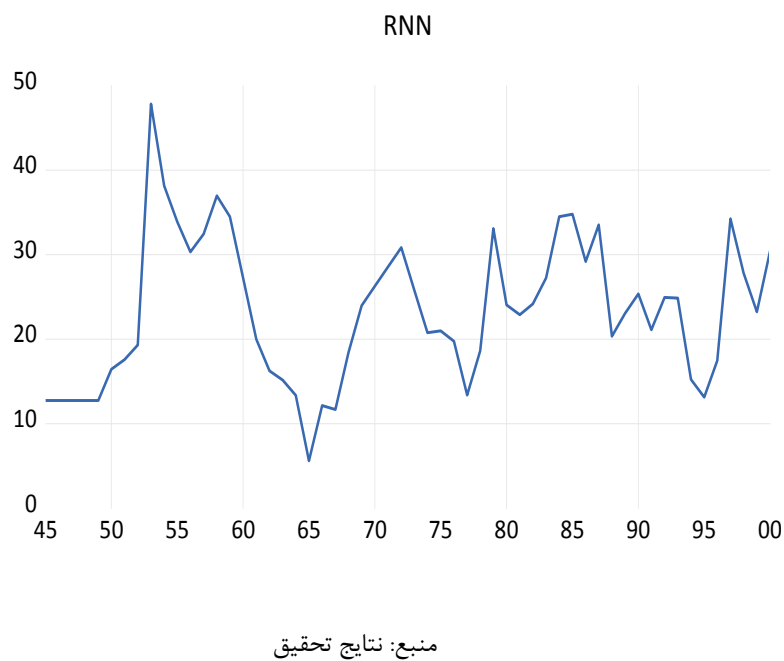
<sup>2</sup>. Asravor and Sackey

<sup>3</sup>. Joseph and Krishnan

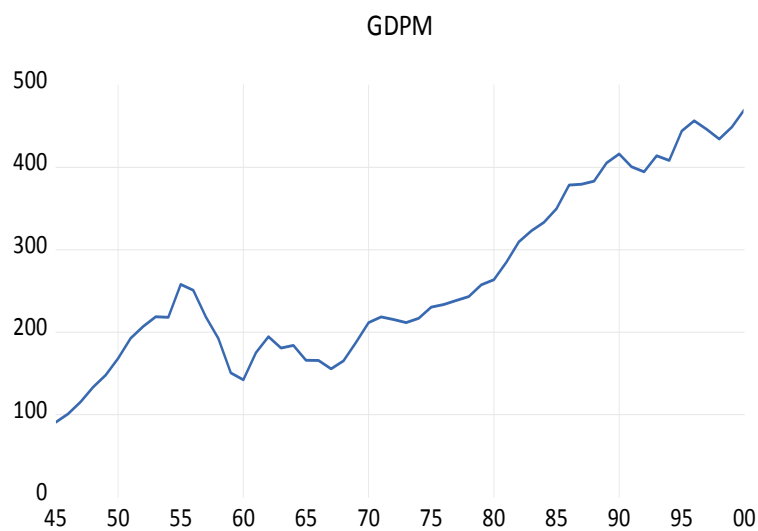
نمودار (۱): نسبت شاغلان کشاورزی به کل شاغلین



نمودار (۲): نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی

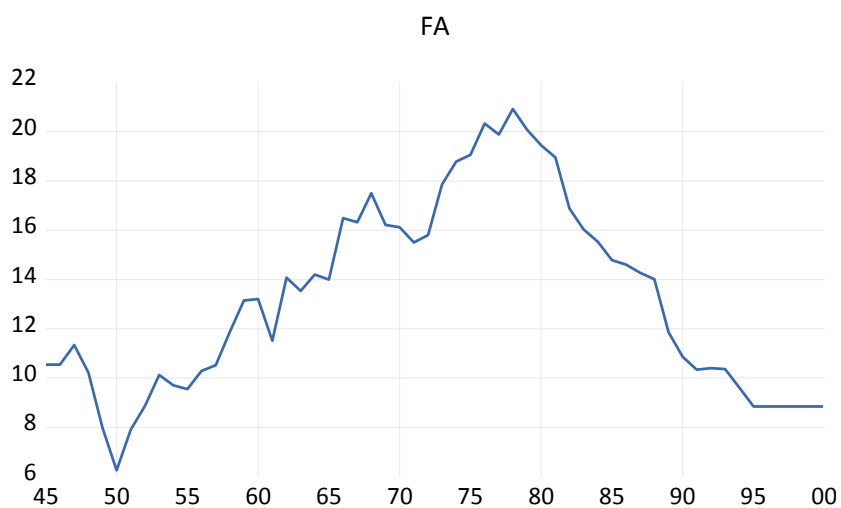


## نمودار (۳): تولید ناخالص داخلی



منبع: نتایج تحقیق

## نمودار (۴): نسبت تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی به کل تسهیلات



منبع: نتایج تحقیق

#### ۴. نتایج تخمین مدل و تحلیل تجربی

با توجه به ماهیت داده‌ها ابتدا مانایی<sup>۱</sup> متغیرها مورد آزمون قرار می‌گیرد که نتایج حاصل از آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون مانایی با استفاده از روش فیلیپس پرون

مقدار بحرانی مک کینون			آماره PP	متغیر
۹۰ درصد	۹۵ درصد	۹۹ درصد		
-۲/۵۹	-۲/۹۱	-۳/۵۵	-۴/۴۰	UNEM
-۲/۵۹	-۲/۹۱	-۳/۵۵	-۳/۳۱	RENT
-۲/۵۹	-۲/۹۱	-۳/۵۵	-۰/۲۴	GDPm
-۲/۵۹	-۲/۹۱	-۳/۵۵	-۰/۹۹	FA
نتایج آزمون مانایی تفاضل مرتبه اول متغیرها				
مقدار بحرانی مک کینون			مقدار آماره PP	متغیر
۹۰ درصد	۹۵ درصد	۹۹ درصد		
-۲/۵۹	-۲/۹۱	-۳/۵۵	-۸/۰۶	RENT
-۲/۵۹	-۲/۹۱	-۳/۵۵	-۴/۸۵	GDPm
-۲/۵۹	-۲/۹۱	-۳/۵۵	-۶/۳۲	FA

منبع: نتایج تحقیق

بر اساس اطلاعات جدول (۲) نسبت رانت نفت به تولید (RENT)، تولید ناخالص داخلی (GDPm) و نسبت تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی به کل تسهیلات (FA) نامانا هستند که با یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند، این در حالی است که متغیر نسبت شاغلان کشاورزی به کل شاغلین (UNEM) در سطح مانا است. با توجه به آن که برخی متغیرها انباشته از درجه یک I(1) و برخی انباشته از درجه صفر I(0) هستند، از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL)<sup>۲</sup> برای تخمین مدل می‌توان استفاده کرد.

در مرحله بعد، از روش پسران<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۱) برای آزمون رابطه بلند مدت میان متغیرهای مدل استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون بیانگر عدم وجود هم‌انباشتگی یا رابطه بلندمدت است. نتایج این آزمون در جدول (۳) ارائه شده است. با توجه به اطلاعات این جدول مقدار آماره F در سطح اطمینان ۹۹ درصد بزرگتر از باند (مقدار

<sup>۱</sup> Stationary

<sup>۲</sup> Autoregressive Distributed Lag

<sup>۳</sup> Pessaran

بحرانی) بالا است که بر این اساس فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها رد می‌شود و رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول (۳): نتایج حاصل از آزمون هم انباشتگی

مقدار بحرانی		سطح معنی‌داری	آماره آزمون (F)
باند پائین	باند بالا		
۲/۰۱	۳/۱	%۱۰	۲۸/۹۷
۲/۴۵	۳/۶۳	%۵	
۲/۸۷	۴/۱۶	%۲/۵	
۳/۴۲	۴/۸۴	%۱	

منبع: نتایج تحقیق

سرانجام آزمون‌های فروض کلاسیک شامل نرمال بودن داده‌ها، خود همبستگی و ناهمسانی واریانس انجام می‌شود که نتایج آن جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون‌های فروض کلاسیک

احتمال	آماره	آزمون
۰/۶۰	۰/۲۶	آزمون همسانی واریانس (ARCH)
۰/۳۱	۱/۱۸	آزمون خودهمبستگی (LM)
۰/۴۵	۰/۹۱	آزمون نرمالیتی (JB)

منبع: نتایج تحقیق

طبق این نتایج، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خود همبستگی و همسانی واریانس در سطح معنی ۵ درصد پذیرفته می‌شود که بر این اساس مشکل خود همبستگی و ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد. همچنین بر اساس آزمون جارک-برا (JB)<sup>۱</sup>، نرمال بودن توزیع پسماندها در سطح معنی ۱ درصد پذیرفته می‌شود.

حال پس از تأیید وجود رابطه بلندمدت مدل بین متغیرها و انجام آزمون‌های تشخیصی، مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برآورد می‌شود<sup>۲</sup> که جدول (۵) نتایج حاصل از تخمین رابطه بلندمدت آن را نشان می‌دهد. در این جدول

<sup>۱</sup> Jarque-Bera

<sup>۲</sup> برای تعیین تعداد وقفه بهینه از معیار شوارتز (SC) استفاده شد. مدل انتخاب شده به صورت (1,0, 1, 0) ARDL است.



همچنین مقدار ضریب  $ecm_{t-1}$  حاصل از تخمین مدل در کوتاه مدت<sup>۱</sup> (ECM) ارایه شده است که نشان‌دهنده همگرایی مدل برای رسیدن به حالت تعادل است.

جدول ۵: نتایج حاصل از تخمین رابطه بلند مدت حاصل از رگرسیون اثر رانت نفت بر اشتغال

بخش کشاورزی در چارچوب مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی

متغیر	ضریب	انحراف معیار	احتمال
رانت نفت	-۱/۰۸	۰/۴۳	۰/۰۱۶
تولید ناخالص داخلی	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۲۶
نسبت تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی به کل تسهیلات	۱/۲۷	۰/۴۰	۰/۰۰۲
$ecm_{t-1}$	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰

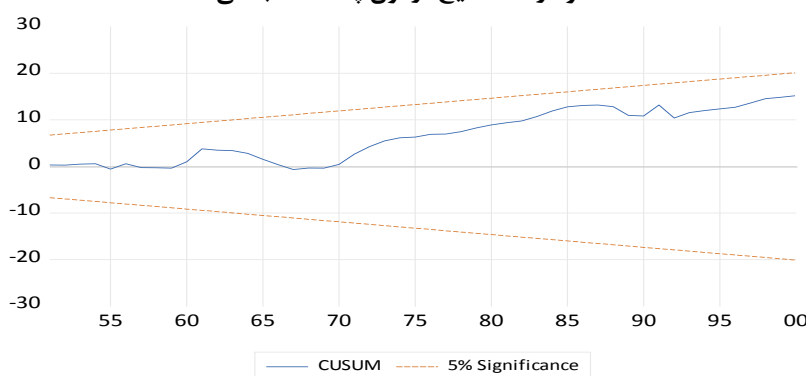
بر اساس نتایج این جدول اثر متغیر رانت نفت با ضریب (-۱/۰۸) بر شاغلان بخش کشاورزی منفی و معنی‌دار است. به نحوی که با افزایش یک درصدی سهم رانت نفت از تولید ناخالص داخلی، نسبت شاغلان کشاورزی از مجموع اشتغال ۱/۰۸ درصد کاهش می‌یابد. رانت نفت انعکاسی از وفور منابع طبیعی است که رابطه معکوس آن با اشتغال بخش کشاورزی نشان می‌دهد درآمدهای حاصل از فروش نفت طی سال‌های مورد بررسی به ضرر اشتغال در بخش کشاورزی عمل کرده که آن را در راستای پدیده بیماری هلندی و فرضیه اقتصاد سیاسی نفرین منابع می‌توان توجیه کرد. به این صورت که در سال‌های رونق درآمدهای نفتی در ایران، از یک سو با افزایش واردات و بالارفتن بازدهی بخش منابع طبیعی، انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی کاهش یافته است. از سوی دیگر رانت منابع طبیعی که همراه با افزایش فرصت‌های رانت جویی است، کارآفرینان را به فعالیت بیشتر در فعالیت‌های غیر مولد تشویق کرده و در نهایت تولید و اشتغال در بخش‌های واقعی مثل کشاورزی را مورد تهدید قرار داده است. این مسأله می‌تواند ناشی از افزایش سرمایه‌گذاری در بخش نفت گاز و کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش مولد کشاورزی همزمان با سال‌های رونق درآمدهای نفتی در ایران باشد. همچنین می‌توان گفت افزایش درآمدهای نفتی از طریق مکانیزم‌های رانت جویی نحوه تخصیص منابع را تحت تأثیر قرار داده و درآمد نفت را از بخش‌های مولد به سمت بخش‌های غیر مولد هدایت کرده که در نتیجه آن اشتغال در این بخش تحت تأثیر قرار گرفته است. این نتیجه در راستای نتایج تجربی در پژوهش‌های گیل‌فاسن (۲۰۰۱)،

<sup>۱</sup>. Error-Correction model

بالاند و فرانسوا (۲۰۰۰)، گیلیز (۲۰۲۰) و اکوری و همکاران (۲۰۲۳) قرار دارد و نتایج بادیب و همکاران (۲۰۱۹) و اکویه و همکاران (۲۰۲۲) را در ایران تأیید نمی‌کند. نتایج حاصل از تخمین مدل هم‌چنین اثر مثبت و معنی‌دار تولید ناخالص داخلی با ضریب (۰/۰۶) بر اشتغال کشاورزی را تأیید می‌کند که نشان می‌دهد شرایط اقتصادی در بخش‌های مختلف بر اشتغال در بخش کشاورزی اثر مثبت دارد. هم‌چنین اثر متغیر نسبت تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی به کل تسهیلات بر شاغلان کشاورزی مثبت به دست آمده که بیان می‌کند رابطه مستقیم بین تسهیلات بخش کشاورزی و اشتغال در این بخش وجود دارد که چنین نتیجه‌ای می‌تواند به اثرگذاری مثبت تسهیلات بر خرید نهاده‌های کشاورزی، ماشین‌آلات و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در روستاها ربط داده شود. ضریب  $ecm_{-1}$  مطابق انتظار، منفی و معنی‌دار به دست آمده که مقدار آن (-۰/۰۲۳) بیانگر آن است که در هر دوره ۲/۳ درصد از عدم تعادل در نسبت شاغلان کشاورزی به کل شاغلین در هر دوره کوتاه مدت تعدیل شده و به سمت بلند مدت حرکت می‌کند.

نمودارهای (۱) و (۲) نتایج حاصل از آزمون‌های پسماند تجمعی (CUSUM)<sup>۱</sup> و مجذور پسماند تجمعی (CUSUMQ)<sup>۲</sup> را نشان می‌دهد. در این نمودارها با توجه به آن‌که مسیر حرکت آماره آزمون‌های پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی، برای دوره‌های مختلف، پیوسته بین دو خط بحرانی قرار دارد پایداری ضرایب برآوردی تأیید می‌شود و شکست ساختاری در مدل رد می‌شود.

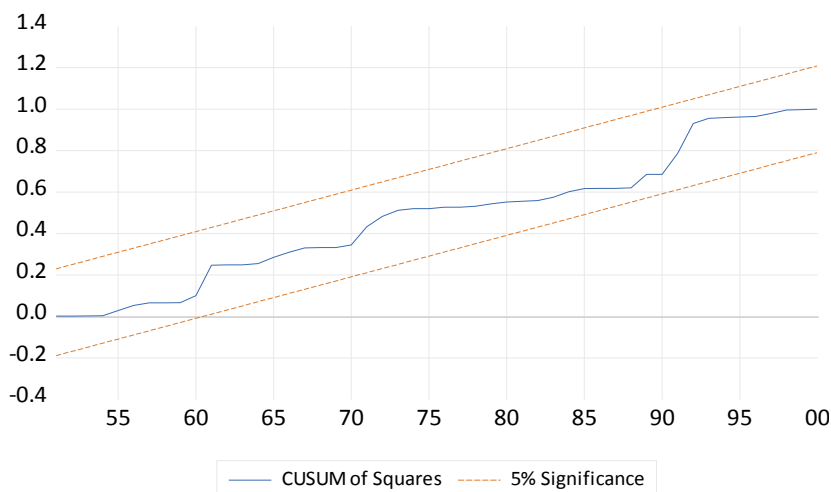
نمودار (۱): نتایج آزمون پسماند تجمعی



<sup>1</sup> Cumulative Sum of Residuals (CUSUM)

<sup>2</sup> Cumulative Sum of Squared Residuals (CUSUMQ)

نمودار (۲): آزمون مجذور پسماند تجمعی



## ۶. نتیجه‌گیری

برخورداری از منابع طبیعی برای برخی کشورها مفید و برای برخی دیگر مضر بوده است. در گروه اول، مدیریت بهینه درآمد حاصل از منابع طبیعی به رشد اقتصادی منجر شده است و در گروه دوم استفاده نادرست از منابع طبیعی، رشد اقتصادی را کاهش داده و نتایج نامطلوب اقتصادی به همراه داشته است که برای آن دو دلیل اقتصادی (بیماری هلندی) و سیاسی (فرضیه اقتصاد سیاسی نفرین منابع) بیان می‌شود. بر این اساس آزمون رابطه بین درآمد حاصل از منابع طبیعی و شاخص‌های کلان مثل اشتغال در بخش کشاورزی در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی مثل ایران اهمیت می‌یابد که در این مقاله از طریق تخمین یک مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۴۰۰ مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس نتایج مقاله اثر منفی و معنی‌دار رانت نفت بر اشتغال در بخش کشاورزی در بلندمدت تأیید می‌شود که این یافته انعکاسی از مدیریت نادرست بر درآمدهای حاصل از درآمدهای نفتی در ایران است که بر اساس آن، وفور منابع دارای پیامد مثبتی برای وضعیت اشتغال در بخش کشاورزی نبوده است. حال با توجه به آن‌که اشتغال کشاورزی در افزایش درآمد خانوارهای روستایی و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها به شهرها نقش اساسی دارد و انگیزه روستاییان برای کار در بخش کشاورزی و توسعه ظرفیت‌های اقتصادی آن را تحت تأثیر

قرار می‌دهد، نتایج مقاله اهمیت مدیریت بهینه درآمدهای نفتی در نظام برنامه‌ریزی کشور و هدایت آن به سوی بخش‌های مولد مثل کشاورزی، به ویژه در مواقع رونق درآمد نفت، را نمایان می‌سازد. از دیگر نتایج مقاله می‌توان به اثر مثبت تولید و تسهیلات بخش کشاورزی بر اشتغال در بخش کشاورزی اشاره کرد که این یافته بیان‌گر اهمیت شرایط اقتصاد کلان و نحوه تخصیص اعتبارات بانکی در وضعیت شغلی در بخش کشاورزی است.

با توجه به یافته‌های تحقیق از دید اقتصاد کلان تقویت منابع صندوق توسعه ملی و نظارت دقیق بر اجرای آن جهت هدایت منابع به بخش‌های مولد به منظور خنثی کردن اثر نوسانات درآمدهای نفتی بر عملکرد اقتصادی در بخش‌های مختلف و بازار کار، در نظر گرفتن سهم بخش‌های مولد اقتصادی مثل کشاورزی از تخصیص درآمدهای حاصل از منابع طبیعی با توجه به اهداف اشتغال‌زایی کشور ضرورت می‌یابد. از دید اقتصاد خرد، تحقق کامل اهداف صندوق توسعه ملی در زمینه توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در بخش کشاورزی و افزایش سهم آن از منابع طبیعی با توجه به نقش مهم فعالیت‌های کشاورزی در اشتغال روستاییان و امنیت غذایی دارای اهمیت است که در نهایت می‌تواند احتمال رخداد پدیده نفرین منابع در بخش کشاورزی را کاهش دهد.

### منابع

- بانک مرکزی ایران (۱۴۰۰). بانک اطلاعات سری زمانی اقتصادی.
- پاسبان، فاطمه (۱۳۸۳)، تأثیر نوسانات قیمت نفت بر تولید بخش کشاورزی ایران (بیماری هلندی)، پژوهشنامه اقتصادی، (۱) ۴: ۱۱۷-۱۳۶.
- پیری، مهدی، جاودان، ابراهیم، سجاده، فرجی دیزجی (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر نوسانات صادرات نفت بر رشد بخش کشاورزی در ایران، اقتصاد و توسعه کشاورزی، (۳) ۲۵: ۲۸۳-۲۷۵.
- سوری، علی (۱۳۹۲)، اقتصاد سنجی (جلد ۲)، نشر فرهنگ فارسی.
- شاگری، عباس (۱۳۸۳)، جایگاه بخش کشاورزی در فرایند توسعه اقتصادی کشور، اقتصاد کشاورزی و توسعه، (۴۸) ۱۲: ۱۳۶-۱۰۵.
- شاگری، عباس، محمدی، تیمور، ناظمان، حمید، طاهرپور، جواد (۱۳۹۲)، بررسی رخداد بیماری هلندی در اقتصاد ایران و اثر آن بر رشد اقتصادی، پژوهشنامه اقتصادی، (۳) ۱۳: ۸۶-۶۳.
- شیروانی سعادت آبادی، زینب (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر بیماری هلندی بر تقاضا و عرضه نیروی کار در بخش کشاورزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

قدیرزاده، سجاد، مکیان، نظام‌الدین، بخشی دستجردی، رسول، فیض پور، محمدعلی (۱۴۰۰)، تأثیر سناریوهای متفاوت سهم درآمدهای نفتی در صندوق توسعه ملی بر متغیرهای تولید و اشتغال: مطالعه موردی ایران، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۸(۳): ۱۶۶-۱۴۱.

یزدانی، سعید، شرافتمند، حبیبه. (۱۳۹۰)، بررسی تاثیر ضربه‌های درآمد نفت بر بخش کشاورزی: آزمون بیماری هلندی، اقتصاد کشاورزی، ۵(۴): ۶۸-۵۱.

Abdlaziz, R. A., Naseem, N. A. M. & Slesman, L. (2021), Oil revenue and agriculture value-added in oil-exporting countries: does the role of real exchange rate matter?, *International Journal of Energy Sector Management*.

Ali, S., Murshed, S.M. & Papyrakis, E. (2023), Oil, export diversification and economic growth in Sudan: evidence from a VAR model, *Mineral Economics*, 36: 77-96.

Apergis, N., El-Montasser, G., Sekyere, E., Ajmi, A. N. & Gupta, R. (2014), Dutch disease effect of oil rents on agriculture value added in Middle East and North African (MENA) countries, *Energy Economics*, 45: 485-490.

Asogwa, I. S. (2021), Contributions of the agricultural value-added output to employment creation and regional trade integration in sub-Saharan Africa, *Nigeria Agricultural Journal*, 52(1): 45-52.

Asravor, R. K. & Sackey, F. G. (2022), Wage Price Floors and Sectoral Employment Outcomes in Ghana, *The Indian Journal of Labour Economics*, 65(1): 103-122.

Auty RM. (1993), *Sustaining development in the mineral economies: The resource curse thesis*, London: Routledge.

Badeeb, R. A., Szulczyk, K. R. & Lean, H. H. (2021), Asymmetries in the effect of oil rent shocks on economic growth: A sectoral analysis from the perspective of the oil curse, *Resources Policy*, 74, 102326.

Baland, J. M., & Francois, P. (2000), Rent-seeking and resource booms, *Journal of development Economics*, 61(2): 527-542.

Bal-Domańska, B. (2022), The impact of macroeconomic and structural factors on the unemployment of young women and men, *Economic Change and Restructuring*, 55(2): 1141-1172.

Benjamin, N. C., Devarajan, S. & Weiner, R. J. (1989), The 'Dutch' disease in a developing country: Oil reserves in Cameroon, *Journal of Development Economics*, 30(1): 71-92.

- Corden, W. M. & Neary, J. P. (1982), Booming sector and de-industrialisation in a small open economy, *The economic journal*, 92(368): 825-848.
- Demissie, M. Z. (2014), *The natural resource curse in Sub-Saharan Africa: Transparency and international initiatives*, Dissertations. 6.
- Desierto, D. A. (2018), Formal models of the political resource curse, *Economics of Governance*, 19: 225-259.
- Di John, J. (2011), Is there really a resource curse-a critical survey of theory and evidence?, *Global Governance*, 17, 167.
- Dutt, P., Mitra, D. & Ranjan, P. (2009). International trade and unemployment: Theory and cross-national evidence, *Journal of International Economics*, 78(1): 32-44.
- Fattah, E. R. A. (2017), Natural resource rents and unemployment in oil exporting countries, *Asian Economic and Financial Review*, 7(10): 952-958.
- Feisali, M. & Niknami, M. (2021). Towards sustainable rural employment in agricultural cooperatives: Evidence from Iran's desert area, *Journal of the Saudi Society of Agricultural Sciences*, 20(7): 425-432.
- Food and Agriculture Organization of United Nations (2022), *Sustainable Development Goals* (Available at: <https://www.fao.org/sustainable-development-goals/overview/fao-and-the-2030-agenda-for-sustainable-development/sustainable-agriculture/en>). /
- Gillies, A. (2020), Corruption trends during Africa's oil boom, 2005 to 2014, *The Extractive Industries and Society*, 7(4): 1171-1181.
- Gylfason, T. (2001), Nature, power and growth, *Scottish Journal of Political Economy*, 48(5): 558-588.
- Joseph, B. & Krishnan, C. (2019), Agricultural credit and rural economy an analysis on the impact of agricultural credit on rural development, *International Journal of Research in Social Sciences*, 9(10): 61-66.
- Kurečić, P. & Seba, M. (2016), The resource curse in sub-saharan Africa: A reality corroborated by the empirical evidence. In 15th International Scientific Conference on Economic and Social Development-Human Resources Development Proceedings.

- Lauvsnes, S. O. (2021), Dutch disease in the Norwegian agricultural sector. *Review of Agricultural, Food and Environmental Studies*, 102(1): 25-57.
- Mlambo, C. (2022), Politics and the natural resource curse: Evidence from selected African states, *Cogent Social Sciences*, 8(1): 2035911.
- Okoye, L. U., Adeleye, B. N., Okoro, E. E., Okoh, J. I., Ezu, G. K. & Anyanwu, F. A. (2022), Effect of gas flaring, oil rent and fossil fuel on economic performance: The case of Nigeria, *Resources Policy*, 77, 102677.
- Okorie, C., Udoh, E. & Bassey, O. B. (2023), Mirroring the developmental challenges of oil-rich Nigeria within the context of resource curse/Dutch disease and paradox of plenty, *International Research Journal*, 10(4): 818-834.
- Otaha, J. I. (2012), Dutch disease and Nigeria oil economy, *African Research Review*, 6(1): 82-90.
- Papyrakis, E. (2017), The resource curse-what have we learned from two decades of intensive research: Introduction to the special issue, *The Journal of Development Studies*, 53(2): 175-185.
- Sachs, J. D. & Warner, A. (1995), Natural resource abundance and economic growth.
- Van der Ploeg, F. & Poelhekke, S. (2009), Volatility and the natural resource curse, *Oxford Economic Papers*, 61(4): 727-760.
- Wamboye, E. F. & Seguino, S. (2015), Gender effects of trade openness in sub-Saharan Africa, *Feminist Economics*, 21(3): 82-113.